

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سلیم طاهری

۱۳ نومبر ۲۰۱۱

عوامفریبی، بدترین دشمن مردم ماست!

از بن اول تا بن دوم، روند استعمار کشور ما توأم با جنایت، خونریزی، قتل، کشتار، فساد، زندان، اسارت، شکنجه، فقر، فحشاء و عوامفریبی ادامه یافته است. در بن اول، کثیفترین دشمنان مردم ما از راست تا "چپ" به دور خلیزاد و لخصر براهیمی رقصیدند و زنگوله و گردنبند اسارت بر پا و گردن بستند و با دهل دموکراسی استعماری پاچه بر زده یا جنایت کردند و یا بر جنایت سکوت کردند و از همه بدتر و زشتتر به عوامفریبی پرداختند و خلق زحمتکش ما را گاه به نام مداخله، گاه به نام یوناما، گاه به نام انجو و گاه به نام "داد خواهی" فریب داده، خود از بن اول تا بن دوم مست و خرام به درگاه استعمار صف بسته اند و حقا که در این زمینه "پیشتاز" و "استاذ" اند!!

عوامفریبی بدترین دشمن توده هاست و افغانستان ما سالهاست که شاهد این بدترین دشمن است. مردم ما دشمن خونریز خود را به خوبی و درستی تشخیص می نمایند، اما دشمنی را که در لباس و رداء دوست و آنهم "دوست صمیمی" به میدان می آید و افکار مردم را فاسد می سازد و به اغوای مقاومت ذهنی توده ها می پردازد و در نهایت امر خیزش های مردم را به سراب می برد و به پای دشمن می ریزد، تشخیص این دشمن و دریدن ماسک آن از وظایف عاجل و مهم نیروهای انقلابی است. زیرا شماری از مردم عزیز ما به گمان این که این "دوستان صمیمی" خیابان ریز متلون با بلند کردن شعار های تند و تیز، به ضد دشمنان آنان صف آرائی می کنند، گاه با آنان همنا می شوند، غافل از این که در دست دیگر این "دوستان" "چیزهای" استعمار می ریزد!

لنین، یکی از شناخته ترین رهبران کارگران جهان در کتاب "چه باید کرد؟" می نویسد:

"من هرگز از تکرار این که عوامفریب ها بدترین دشمنان طبقه کارگرند خسته نخواهم شد. این که گفته می شود بدترین بدان علت است که آنها محرک غریزه های ناپسند در جماعت می باشند و برای کارگران عقب مانده میسر نیست این دشمنان را که به سمت دوستان آن ها به میدان می آیند و گاهی هم صمیمانه به میدان می آیند، بشناسند."

عوامفریب های وطن ما کسانی هستند که در لفظ در کنار مردم هستند، اما در عمل با اشغالگران و دشمنان در تباری قرار دارند؛ نیم عمل کمرنگ آنان با شعار های مردم پسند همراه است، اما نیم عمل پر رنگ آنها با شعار های

دشمن پسند به پیش می رود؛ با عرضه تیوری های ارتجاعی ظاهراً تلاش می کنند از حقوق مردم دفاع کنند، اما خود زیر سایه همان تیوری ها در خدمت اشغالگران هستند؛ محاکمه جنگسالاران را می خواهند، اما اشغال را نیاز جامعه می دانند؛ در حالی که دشمن اصلی را بهتر و خوبتر می شناسند، اما برای گمراه کردن افکار توده ها جنگسالاران نوکر را دشمن اصلی می خوانند؛ به جای حمله بر اشغالگر اصلی، پاکستان و ایران را "شیر و خط" می کنند؛ در لفظ ضد نشست های استعماری اند، اما از لحاظ حضور در این نشست ها "برنده" اند؛ انجو ها را کانون پرورش عمال مزدور می دانند، اما خود یک دوجین انجو قطار می کنند؛ در نوشته ضد مدال هستند، اما خود مدالگیران درجه یک هستند و....

این عوامفریب ها از ابزار گونه گونی برای عوامفریبی استفاده می کنند، از فرد گرفته تا گروه ها، احزاب، انجوها، رسانه ها، انجمن های سرکاری و دادخواهانه و غیره. به طور کلی "جامعه مدنی" یکی از ابزار بسیار مهم عوامفریبانه است که در چند سال گذشته استعمار بر آن میلیارد ها دالر سرمایه گذاری کرده است. هر رکن "جامعه مدنی"، وظایف به خصوص خود را به پیش می برد که از آنجمله انجوها بیشتر مورد نوازش جلالان قرار دارد. تعفن عوامفریبی وقتی بیشتر مشام را می آزارد که ابزار آن از طرف کسانی مورد استفاده قرار می گیرد که در حرف ضد اشغال و اشغالگران هستند و تندی و تیزی این "ضدیت" دیگران را نیز به حیرت وامیدارد، اما در عمل بارها و بارها جبهه بر آستان اشغال می گذارند که در صورت فرصت به افشای این عوامفریبان نیز پرداخته خواهد شد.

اما در این جا تلاش می شود تا به حیث مشتم نمونه خروار، تازه ترین کار استعماری و عوامفریبانه یکی از انجو ها را مورد بررسی قرار بدهیم. انجیوئی به نام امداد انسانی برای زنان و کودکان افغانستان (حاکا). قرار است، پس از کنفرانس بن اول، بن دوم با کوس و کرنای رسانه های غربی برای تداوم استعمار بیشتر افغانستان برگزار گردد. در کنار چهره های بن اول، اینبار اعضای "جامعه مدنی افغانستان" نیز یخن پارگی را آغاز کرده و خواهان نماینده های شان در این کنفرانس هستند که بالاخره در انتخاباتی که انجام دادند از میان ۱۵۰ نامزد، ۳۴ تن به عنوان نمایندگان برای این جلسه انتخاب شدند که از این میان فقط دو تن، "سیلی غفار" (رئیس انجو حاکا که چندی قبل در کنار هیلری کلنتن در سفارت امریکا در کابل دیده شد) و باری سلام سخنگوی شبکه "جامعه مدنی و حقوق بشر" حق شرکت در کنفرانس اصلی بن را دارند. "سیلی غفار" در گزارشی که در سایت فارسی بی بی سی انعکاس یافته است، در مورد شرکت "جامعه مدنی" در این کنفرانس ابراز نظر کرده است، که ما به مهمترین های آنها تماس می گیریم:

- "ما می خواهیم به گونه [ای] وارد این روند شویم که در تصامیمی (تصمیم هائی) که آن جا گرفته می شود، نظریات ما دخیل باشد."

از آنجائی که نمی دانیم نظریات مشخص "جامعه مدنی" برای این کنفرانس چیست، ولی تا جائی که دونران و اربابان این جامعه را می شناسیم که با ۱۵۰ هزار سرباز می کشند و می درند، تا حدودی نظریات این "جامعه" برای ما روشن است و قبلاً در زمینه توضیح دادیم. اما اینجا چند تا سؤال از خانم "غفار" به حیث نماینده درجه یک "جامعه مدنی" در کنفرانس استعماری بن، داریم:

کنفرانس دوم فیصله خواهد کرد که استعمار افغانستان تداوم یابد؛ مردم افغانستان شبانه نه، که روزانه کشته شوند؛ حضور اشغالگران در افغانستان قانونی و رسمی شود؛ عملیات هوائی که ده هاتن از زحمتکشان ما را می کشند، با اجازه دولت افغانستان صورت بگیرد؛ دولت پوشالی استحکام پیدا کند؛ به اسارت گرفتن توده ها به وسیله خارجی

ها نه که داخلی ها صورت بگیرد؛ و.... خانم "غفار"، آیا شما به حیث نماینده "صدیق" جامعه مدنی، خلاف آنچه نظر خواهید داد که ارباب دونر تان تا از شما می خواهد؛ ما با قاطعیت اعلان می کنیم که نه! اعلان می کنیم که نه! - سایت بی بی سی می نویسد: "خانم غفار افزود که تصمیم‌هایی که پیش از این در کنفرانس بین‌المللی در باره افغانستان در ده سال گذشته اتخاذ شده، بیشتر در حد حرف باقی مانده و عملی نشده است."

خانم "غفار"، شما ملامت نیستید، این تیوری های پوده از تیوری های ارتجاعی "پاپ" تان نشأت می کند، اما واضح است که: استعمارگران هر چیز و هر موردی را که در بن اول و ده سال گذشته فیصله کردند، به بسیار خوبی انجام داده اند. هیچ فیصله آنها در حرف باقی نمانده بلکه به منصفه اجراء گذاشته شده است و درد افغان های وطندوست و مردم دوست همین است که استعمارگران هر چه که خواستند با درد که عملی کردند! در بن اول فیصله کردند که افغانستان به اشغال "جامعه جهانی" درآید و دولت پوشالی در آن حاکم شود؛ جنایت سالاران قدرت را بقاءند، بکشند، چور کنند و به انباشت بیشتر سرمایه دست بزنند؛ لویه جرگه جنایتکاران به خاطر تعیین رئیس پوشالی دوره های موقت و انتقالی و تصویب قانون اساسی اسارتبار برگزار شود؛ انتخابات پوشالی ریاست جمهوری و پارلمان برگزار گردد؛ اردو، پولیس و امنیت با هدایت مستقیم "سی آی ای و ایم آی شش" به کار آغاز کند؛ رسانه های مزدور چون سمارق بروید؛ انجوهای پوشالی صف بزند و ده ها حزب در وزارت عدلیه راجستر شود تا پلورالیزم غربی تثبیت گردد؛ افغان ها کشته شوند؛ زندان ساخته شود و... خانم "غفار" از "استاد امور ارتجاعی" تان بپرسید که کدام حرف در ده سال عملی نشده است که حال شما برای عملی کردن آن اینقدر تقلاء دارید، شاید، منظور تان امضای پیمان ستراتیژیک با امریکا، فرانسه، انگلیس، ایتالیا و المان و پایگاه های دایمی "امپراتوری جهانی" باشد، و اخطائی نکنید، به "استاد امور ارتجاعی" اطمینان بدهید که با دریغ نوبت این اسارت نیز می رسد!

- و سایت بی بی سی از قول گزارشگرش وحید پیکان ادامه می دهد: "خانم غفار گفت که نهادهای مدنی افغانستان از حضور در نشست های گذشته درس گرفته و این بار تلاش می شود که نقش جامعه مدنی در نشست "بن دوم" برجسته باشد."

خانم "غفار"، باز هم از پاپ انجو های تان بپرسید، کدام درس ها؟

اگر سخن از درس گیری مردم ما باشد، مردم ما درس های فراوانی از بن اول گرفته اند: درس این که، اشغالگران جنایتکارانی هستند که ابداً و هیچ گاه نمی توانند به دیگران دموکراسی بدهند؛ درس این که شعار های حقوق بشری، عدالت انتقالی، حقوق زن و رفاه دونران تان همه کذب و دروغ بیش نیست؛ مردم ما آموختند که چگونه امریکا و انگلیس و فرانسه و ایتالیا و مزدوران خورد و بزرگ دیگر، جنایتکاران کشور ما را بر روی یک آخور بسته کردند و نامش را جمهوری اسلامی افغانستان گذاشتند؛ مردم آموختند و باز هم با درد و دریغ که با پوست و استخوان لمس کردند که چرا مجریان بن اول در یک سال ۵۰ هزار بمبارد بر سر شان انجام دادند؛ آنها با تجربه آموختند که قوانین استعمارگرانه کنونی چیزی جز تناب اسارت بر گلوگاه شان نیست؛ آنها خود چور شدند، چپاول شدند و غارت شدند و آموختند که استعمار به سود چپاولگران طبقات حاکمه است و از اینرو استعمار را بدتر از استبداد فریاد کردند؛ آنها با فرورفتن در باتلاق فحشاء، فقر، تکدی، بیکاری و بیماری آموختند که استعمار به جز از درد و رنج ارمان دیگری ندارد؛ جامعه مدنی را شناختند که نوکران زرخیز استعمار هستند و کار انجو های تان را به خوبی درک کردند که به حیث کانون تربیه "عمال مزدور" امپریالیزم عمل می کنند و...

اما درس های "جامعه مدنی" نیز از بن اول تا بن دوم واضح است: نقش بیشتر "جامعه مدنی" در استعمار کنونی، پول بیشتر برای پیاده کردن شعار های اربابان، حمایت معنوی و مادی بیشتر برای اغوای فکری مردم با قفله حقوق بشر و دموکراسی و عدالت انتقالی، سپانسر بیشتر، مدال های بیشتر، فند های بیشتر، حساب بر "روشنفکران و دموکرات ها" به عوض جنگ سالاران و طالبان، توجه بیشتر به "حقوق زن" و "حقوق بشر" و...

و همینجاست که درس های مردم و درس های شما، دو راه جداگانه می پیماید. و بیجا نیست که مردم دیر یا زود، شما را با انجوهایتان طرد خواهد کرد و به عوامفریبی های تان نقطه پایان خواهد گذاشت، حتا اگر هزار بار هم به نام زن و کودک افغانستان برای نقش "برجسته تر" در یککنفرانس استعماری تکیه نمائید!

مردم ما نقش انجوها را در طول ده سال گذشته به خوبی درک کرده اند، که چگونه جنایت های دونران شان را ماستمالی و چونه پاشی می کنند، چگونه خشم مردم را علیه بربریت کنونی با مقوله های حقوق بشر، عدالت انتقالی و دادخواهی خاموش می کنند، چگونه به تخدیر ذهنیت مقاومتگرانه مردم ما از طریق "جامعه مدنی" دست می زنند.

نویسنده ای به نام محمود، در مطلبی "خنزیریان خادی - جهادی و محاکمه جنایتکاران" که در یکی از وبلاگ ها نشر شده است، تعریف بسیار خوبی از انجو ها ارائه می کند که نمایانگر دانش عالی ایشان در ماهیت و مضمون انجوهاست:

" غرب* و عمدتاً «سی آی ای» (و نیز «واواک» ایران) ابدأً به اینجیوی پول نمی دهند که گردانندگان از عمال آزموده شده آنها نباشد و با زیره و پودینه اش آشنا و صد در صد متیقن که سیاست های کشور اینجیو را مو به مو اجراء می کند، او را مدیر مسؤول نه که منحیث پیاده دفتر هم نخواهد پذیرفت."

خانم "غفار"، گر چه دیرگاهیست از قلم محمود چیزی نخوانده ایم، ولی اگر او خبر شود، که مطمئناً خبر می شود، که انجویی سابقه داری به نام حاکا (امداد انسانی برای زنان و کودکان افغانستان)** بکس و بکسک رئیس اش را آماده رفتن به نشست استعماری بن دوم می کند و مسؤولین اصلی آن در دهان "سیلی جان" مظلوم عبارت "جامعه مدنی" و "درس گیری ها" و "عملی شدن ها" را می کارند؛ او آرام نخواهد نشست و همانطور که به جنگ خنزیریان خادی - جهادی رفت، به جنگ خنزیریان (هدایتگران) انجویی هم خواهد رفت و مبادا در این میان شما را از جمله عمال مزدور تثبیت کند!

اما شاید شما از "خوشبختترین" ها باشید، زیرا دیربست که آقای محمود در سکوت به سر می برد، و مدتهاست که از قلم روان ایشان چیزی تازه ای نخوانده ایم، لذا نمی دانیم که جنگ علیه خنزیریان انجویی را آغاز می کند یا نه، آیا آقایان و خانم هائی را که دختران مظلوم ما را به جواسیس و عمال آزموده غرب تبدیل می کنند، خنزیریان استعمار خواهد گفت یا نه؟

بر محمود جان است که با قلم روانش این جنگ را آغاز کند و ما را در این نبرد تنها نگذارد، اگر سکوت می کند، ما حق داریم بر خود ایشان، بر قلم روان شان و بر جنگ های شان علیه خنزیریان خادی - جهادی شک کنیم و او را یکی از عوامفریبان جامعه امروزی بخوانیم؛ زیرا جنگ علیه خنزیریان خادی - جهادی بدون جنگ علیه خنزیریان استعمار و جنگ علیه خنزیریان انجویی معنائی ندارد.

اگر با وجود این هوشدار، محمود این جنگ مهم را آغاز نکند، آنهم علیه انجویی که قرار است به حیث نماینده "جامعه مدنی" در بن دوم حضور پیدا کند، پس اجازه بدهد که با هانا آرنهت فلیسوف آلمانی همنا شویم:

"شکل‌گیری حکومت‌های خودکامه بدون حضور روشنفکران کوتاه‌بین و نادان ممکن نیست، این گونه روشنفکران در عمل به رژی می‌خدمت می‌کنند که مدعی مبارزه با آنند."

* "مؤسسه حاکا از همکاری تمامی افراد و تشکل‌هایی که در نشر این کتاب سهیم بوده‌اند، اظهار سپاس و قدردانی می‌نماید. از خانم انیز البرادی، رئیس اجراییوی "یونیفیم" و خانم لوییزا مورگان‌تینی، معاون "اتحادیه اروپا" به خاطر ارسال پیام ویژه‌ای شان سپاسگزاریم..... مؤسسه "حاکا" از "نیوزیلاند اید" تشکر می‌کند که ما را در تمویل نشر این کتاب کمک کردند."

"دفتر صندوق جهانی ملل متحد از کار و رهبری مؤسسه "حاکا" حمایت نموده، زیرا این نهاد موضوع تعلیم و تربیه زنان را حتی تحت رژیم طالبان نیز به مثابه اولویت کاری خویش قرار داده بود...." انیز البرادی، رئیس اجراییوی یونیفیم، کتاب "پرنده در قفس"

** "من به تعهد مؤسسه امداد انسانی برای زنان و کودکان افغانستان (حاکا) درود می‌فرستم، چون آنان همه روزه بر مشکلات فراوان غلبه می‌کنند تا زمانی را نجات دهند که سال‌های زیادی از ظلم و بی‌دادگری، تبعیض، جنگ، بی‌عدالتی، نومیدی و ویرانی رنج می‌برند. رسالت این نهاد که توانمندسازی زنان است، ارزشمند است، زیرا زنان نیازمند را تنها نمی‌گذارند. امیدوارم اینان به عرضه خدمات اجتماعی مجانی و کمک و بالاتر از همه دادن نیرو به زنانی که در شاهرایی به سوی آزادی روان‌اند، همچنان ادامه دهد" لوییزا مورگان‌تینی، معاون پارلمان اروپا، کتاب "پرنده در قفس" از انتشارات مؤسسه حاکا

آقای محمود این "درود فرستادن‌ها"، تعیین "رسالت"، "حمایت" "ارزش دهی"، و حمایت مالی "نیوزیلاند اید" و در مجموع غرب و آنهم کتبه سران غرب، مثل معاون پارلمان اروپا و صندوق جهانی سازمان ملل متحد و در مقابل "اظهار سپاس و قدردانی" مؤسسه حاکا از آنها، به اساس تعریف شما چگونه باید توضیح داده شود، آیا گردانندگان اصلی این مؤسسه را نیز از عمال آزموده شده غرب می‌دانید که غرب با زیره و بودینه‌اش آشنا و صد در صد متیقن هستند که سیاست‌های کشور اینجیو را مو به مو اجراء می‌کنند، یا به بهانه این که معلومات کافی در مورد مؤسسه متذکره ندارید، سکوت می‌کنید، انتخاب به دست شماست!